

بازگشت پوتین؛ آرزوها، واقعیت‌ها و چالش‌های پیش‌رو

g/سرویس آذربایجان

بازگشت پوتین؛ آرزو ها، واقعیت‌ها و چالش‌های پیش‌رو

فاطمه افشار

کارشناس ارشد مطالعات روسیه

مقدمه

پیام اصلی پوتین را می‌شود به کمک تغییر شعار انتخاباتی ژیرینوفسکی بیان کرد: "بدون پوتین بدتر می‌شود". سیاستمداران و کارشناسان سیاسی طرفدار پوتین بایستی برای مردم توضیح می‌دادند که ثبات سیاسی در معرض خطر است. این کار از کار مخالفان دشوارتر بود زیرا همیشه بخشی از جامعه حاضر است علیه چیزی اقدام کنند ولی ابراز طرفداری از اوضاع جاری طرفداران کمتری را به خود جلب می‌نماید. به طور کلی تمام مانور انتخاباتی پوتین بر ثبات و عدم ایجاد شوک سیاسی و اقتصادی به مانند سال‌های 1990 خلاصه می‌شود. ولادیمیر پوتین اولویت‌ها و برنامه‌های دولت خود را در صورت انتخاب، طی مقالاتی در روزنامه‌های معروف و پرتیراژ روسیه به چاپ رساند که در ادامه مواضع و اهداف پوتین 2012 را که به طور کلی و خلاصه می‌توان در دو بخش سیاست داخلی و سیاست خارجی در نظر گرفت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

برنامه‌های پوتین در سیاست داخلی

- اقتصاد: در جریان تجمعات انتخاباتی و شعارهایی که در حمایت از ثبات و عدم تکرار نکان‌های شدید سیاسی سال‌های 1990 ابراز شد، همگان اتفاق نظر دارند که روسیه‌ی جدید به حکومتی با حس مسئولیت و اقتصادی شفاف نیاز دارد. اولین و محتمل‌ترین سناریو پس از روی کار آمدن پوتین می‌تواند این باشد که دولت به طور کلامی اطمینان دهد که به درخواست‌های اپوزیسیون عمل می‌کند اما در واقعیت اقدامات اندکی برای مبارزه با فساد و افزایش شفاف سازی در سیستم انجام دهد و به مانند سال 2000 در ابتدای کار انگیزه برای اصلاحات اقتصادی بالا باشد اما چونان گذشته درآمدهای وسوسه‌انگیز نفتی مانع رشد در عرصه‌ی نوسازی اقتصادی و حرکت به سمت تولیدات غیر نفتی شود. اینگونه به نظر می‌رسد که تغییرات اندکی در زمینه اقتصاد از آنچه بوده است حاصل شود و فساد مالی طبقه‌ی الیگارشی وابسته به کرملین بدون رسیدگی باقی می‌ماند و اقدامی جدی و درخور برای مدرنیزه کردن اقتصاد صورت نمی‌گیرد.

عنصر هدایت‌کننده در حرکت اعتراضی اخیر در روسیه، طبقه خلاق جامعه یا جوانان متخصص و تحصیل‌کرده شهری هستند و وقتی از یکی از آنها سوال شد که چرا به اعتراضات پیوسته است، گفت: به خاطر بی‌عدالتی سیاسی و اقتصادی که در همه جا به چشم می‌خورد. ولادیمیر پوتین در سال 2000 میلادی یعنی دو سال پس از بحران مالی که روسیه را فرا گرفته بود برای اولین بار به ریاست جمهوری رسید؛ اولویت‌های اولیه او پرداخت بدهی‌های کشور، کمک به رشد اقتصادی و کاهش وابستگی روسیه به منافع نفتی بود و روس‌ها امروز ششمین ملت جهان از لحاظ قدرت خرید هستند. روسیه به تازگی پیمان پیوستن به سازمان تجارت جهانی را امضا کرده است، همچنین این کشور سومین ذخیره طلای جهان را در اختیار دارد، تورم نیز در این کشور تغییر کرده و در پایین‌ترین سطح خود در سال‌های اخیر قرار گرفته است؛ اما در کنار این اعداد، واقعیت دیگری هم نهفته است. واقعیت امروز در روسیه، آنچنان درخشان نیست؛ بحران مالی سال 2008 نشان داد که همچنان منبع اصلی درآمد این کشور منابع نفتی و گازی هستند؛ ذخایر نفت و گازی که اکثراً به اروپا صادر می‌شوند و نوسانات عدد تولید ناخالص داخلی کشور، وابستگی کامل به قیمت گاز و نفت دارد.

به تصدیق رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس دوما روسیه، از زمان روی کار آمدن پوتین در سال 2000، باید تکلیف بدهی‌های خارجی روشن می‌شد؛ به همین دلیل توان دستیابی سریع به تنوع تولیدات داخلی عملاً وجود نداشت چرا که بدهی 160 میلیارد دلاری که 120 درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد، اجازه توسعه اقتصادی را نمی‌داد بنابراین درآمد‌های نفتی تا به حال برای مردان کرملین موهبتی الهی و مرهمی بر اقتصاد بیمار روسیه بوده است. به گفته‌ی استاد اقتصاد مدرسه عالی مسکو، در گذشته درآمدهای ناشی از صادرات منابع نفتی 25 درصد از کل بودجه روسیه را تشکیل می‌داد که امروز این عدد به 50 درصد رسیده است؛ با این حال، چگونه می‌توان از کاهش وابستگی این کشور به منابع نفتی دم زد.

از نظر کارشناسان دلیل این وابستگی‌ها ساده است؛ در زمان ریاست جمهوری و نخست‌وزیری آقای پوتین، فساد اداری و کاغذبازی عامل اصلی بازدارندگی در تولید و درآمدزایی اقتصاد روسیه است و امروزه تجارت در روسیه سخت‌تر از گذشته شده است چرا که طبقه‌ی الیگارشی وابسته به دولت اکثر شاهراه‌های اقتصادی را به دست گرفته است. در حالی که ولادیمیر پوتین قصد دارد برای سومین بار سکان ریاست جمهوری روسیه را برعهده بگیرد، کشور همچنان درگیر همان معضلات 12 سال پیش است. حل معضل فساد مالی و کاغذبازی نیز، ورد زبان تمامی سیاستمداران روسیه است.

- ساماندهی نیروهای اجتماعی و ایجاد پایگاهی جدید: با فاصله گرفتن پوتین از حزب "روسیه متحد" پوتین تلاش کرد تا کارنامه خود را از این حزب تا حدی جدا کند و شخصیتی فراجحای و مردمی برای خود فراهم آورد. در حال حاضر پوتین برای همه خودی است و می‌تواند در میدان‌های مختلف بازی کند ولی این امر نقطه ضعف او در آینده خواهد بود. ولادیمیر پوتین بعد از انتخابات مجبور خواهد شد بر گروه‌های مختلف اجتماعی متکی شود. اکنون هم محافظه‌کاران طرفدار او هستند و هم ملی‌گرایان و طرفداران اصلاحات. ولی او مجبور خواهد شد سیاستی را دنبال کند که به نفع تنها بخشی از رأی‌دهندگان باشد. در این شرایط بعضی طرفداران فعلی او احساس خواهند کرد که به آن‌ها خیانت شده است. او در حال حاضر از حزب "روسیه متحد" دوری می‌جوید که این امتیاز مهمی است. ولی بعد از آنکه رئیس جمهور شود، به تکیه گاه اداری احتیاج خواهد داشت. آیا حزب "روسیه متحد" می‌تواند این نقش را بازی کند؟ اگر پاسخ منفی باشد، ولادیمیر پوتین به ترکیب دیگری از نیروهای پارلمانی احتیاج خواهد داشت. پوتین می‌تواند به حزب روسیه متحد برگردد که این کار اعتمادها را سلب خواهد کرد و یا بر اساس جبهه مردمی حزب جدیدی تشکیل داده و اکثریت دوما را به دست آورد.

نوسازی سیاسی- اصلاحات در عمود قدرت: مقاله انتخاباتی ولادیمیر پوتین تحت عنوان «دموکراسی و کیفیت دولت» که در روزنامه کامرسانت درج شد، تا حدودی مواضع پوتین 2012 را در قبال دموکراسی روشن ساخت. پوتین سال 2000، در روسیه با ایجاد عمود قدرت و تقسیم کشور به هفت منطقه فدرال و گماردن نمایندگان مستقیم خود بر آن‌ها توانست آن روسیه‌ی آشوب زده و بی‌ثبات را همگراتر کند. در آن زمان اقتدار بیشترین چیزی بود که در روسیه به چشم می‌خورد اما در این مقاله می‌توان در مورد اصلاحات از پایین و از بستر اجتماع و ایجاد نهاد‌های دموکراتیک در سطح جامعه و تسری آن به بالاتر رگه‌هایی دید. مشکل دموکراسی در روسیه همواره این بوده که از بالا و به طور مصنوعی به اجرا درآمده است و نهاد‌های اجتماعی و نیروهای مردمی چندان نقش و خود آگاهی در این زمینه نداشته‌اند. ولادیمیر پوتین 2012 و آلکساندر سولژنیتسین اعتقاد دارند "بدون خودگردانی محلی تنظیم شده، زندگی درست امکان پذیر نیست و مفهوم "آزادی مدنی" معنی خود را از دست می‌دهد." سولژنیتسین در سال‌های زندگی در ایالات متحده مشاهده کرده بود که اتحادیه‌های توسعه یافته سطح پایین بر نظام سیاسی آمریکا چه تأثیر تثبیت‌کننده‌ای می‌تواند داشته باشد.

گذارد.

در ایالات متحده از سطح پایین محلی گزینش سیاستمداران برای سطح فدرال شروع می شود که ولادیمیر پوتین فقط آرزوی تنظیم کردن این کار در روسیه را در مقاله خود ابراز کرد: "اعتقاد دارم که سیاستمداران و مسئولین دولتی باید در سیستم خودگردانی محلی از نظر حرفه ای آب دیده شوند". جالب توجه است که نخست وزیر روسیه نیز در ابتدا در نهادهای خودگردانی شهر سنت پترزبورگ کار می کرد اما چرا این مرحله مهم برقراری دموکراسی تا به حال از نظر سیاستمداران ارشد روسیه "جزئیات ناچیز" تصور می شده و مغفول مانده بود؟ واقعیت این است که بعضی نیروها می خواهند همه چیز را فوراً به دست آورند.

اما خوشبختانه در حال حاضر ولادیمیر پوتین راه نه چندان سریع ولی پرحرمت ایجاد مبنای محکم نظام دمکراتیک کشور و تشکیل نیروهای واقعی سیاسی را از سطح پایین پیشنهاد می کند. مخالفان او در پی آنند که این مرحله دشوار و غیر سودآور را (به زعم آن ها) رد کنند که در این صورت اشتباهات گذشته تکرار خواهد شد: دوباره احزابی بدون پشتوانه واقعی در مناطق و شهرها ظاهر شده و به اصطلاح سیاستمدارانی ریاست این احزاب را بر عهده خواهند گرفت که در سطح پایین، دوره آموزش کار عملی را ندیده اند و بدون تکیه بر نیروهای اجتماعی نمی توانند حتی یک قدم بردارند. ولادیمیر پوتین در مقاله خود به این واقعیت اعتراف می کند که نظام سیاسی معاصر باید تقریباً از نو ساخته شود. امید است که او بعد از انتخاب شدن زیر فشار مسایل روزمره این برنامه های خود را فراموش نکند.

برنامه های پوتین در سیاست خارجی

اتحاد راهبردی با چین: ولادیمیر پوتین نخست وزیر روسیه و نامزد انتخابات ریاست جمهوری این کشور اولویت های سیاست خارجی روسیه را در مقاله ای با عنوان «روسیه و دنیای در حال تغییر» عنوان کرده است. در این مقاله ضمن صحبت از روابط مسکو و پکن خاطر نشان می کند که چین کشوری در حال رشد و توسعه بوده و از ثبات کافی برخوردار است. به همین خاطر، این کشور برای روسیه اهمیتی وافر دارد. ولادیمیر پوتین تاکید می کند که مسکو و پکن همچنان به حمایت از یکدیگر ادامه خواهند داد. این حمایت در سطح سازمان ملل متحد نیز همچنان پابرجاست. پوتین در این راستا به واکنش غرب نسبت به اقدام اخیر مسکو – پکن و وتو کردن قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص مساله سوریه اشاره دارد.

تلاش برای حفظ متحدان قدیمی خاورمیانه و نوسازی روابط با کشورهای دستخوش تحول: پوتین معتقد است که غرب به شدت خواهان مجازات کردن برخی از کشورها به خصوص در منطقه ی حساس خاورمیانه است. از این روی با اعمال تحریم ها بر برخی از این کشورها فشار وارد می سازد. پوتین بارها و به صورت تلویحی از تغییر در موازنه قدرت در خاورمیانه اظهار نگرانی کرده است و مستقیماً در مورد تهدیدهای غرب در قبال ایران هشدار داده است و یادآوری نموده که روسیه از امکان حمله نظامی به ایران نگران است و هشدار می دهد که اگر چنین اتفاقی رخ بدهد، عواقب آن وحشتناک خواهد بود و نمی توان تصور کرد که پی آمد آن چه خواهد بود. پوتین به همکاران غربی خود هشدار می دهد که نباید از طرح لیبی برای سوریه استفاده کرد. به گفته او، ماهیت این کار بسیار خطرناک است. تأثیرات منفی «بهار عربی» باعث شده که سایر کشورها در مسایل و اختلافات داخلی دولت ها دخالت کنند. پوتین تاکید می کند که روسیه آماده است تا حضور خود را در برنامه افغانستان افزایش دهد. از نظر او در حال حاضر مشکل بسیار بزرگی در افغانستان وجود داد صادرات هرویین از این کشور است.

به همین خاطر جامعه بین الملل باید مبارزه با قاچاق مواد مخدر را تقویت کند. ولادیمیر پوتین تصور می کند که مشکل می توان شرایط در افغانستان را پیش بینی کرد. تاریخ نشان داده است که حضور نظامی خارجی ها نمی تواند صلح را در افغانستان برقرار کند. فقط افغان ها هستند که می توانند مشکلات خود را پایان ببخشند. ولادیمیر پوتین نخست وزیر و نامزد ریاست جمهوری روسیه در مقاله برنامه های هفتم خود نوشته است روسیه خط مشی فعال و سازنده در جهت تقویت امنیت جهانی را ادامه می دهد. وی اطمینان دارد روسیه شانس حفظ موقعیت برجسته در خاورمیانه به رغم تکان های «بهار عربی» را دارد و خاطر نشان می کند نشانه های این را مشاهده می کند که روسیه بطور کامل موضع برتر خود در صحنه خاورمیانه که ما دوستان بسیاری در آن داریم را حفظ کند. وقایع اخیر در برخی کشورهای خاورمیانه نشان می دهد «تمایل به تحمیل دموکراسی به کمک ابزار قهرآمیز می تواند به نتیجه معکوس منجر شود و اغلب منجر می شود» نیروهایی چون تندروان دینی از بستر بلند می شوند که سعی دارند خود جهت توسعه کشور و ماهیت لائیک حکومت را تغییر دهند. نخست وزیر معتقد است «ما در روسیه همیشه با نمایندگان معتدل اسلامی تماس های خوبی داشتیم. دیدگاه های آنها با دیدگاه های سنتی مسلمانان روسیه نزدیک است. ما آماده توسعه این تماس ها در شرایط کنونی هستیم. به فعال سازی روابط سیاسی و تجاری – اقتصادی با تمام کشورهای عرب و از جمله کشورهای دستخوش دوران تلاطم داخلی علاقمندیم .

تلاش برای مقاومت مثبت در قبال آمریکا: در روسیه بر خلاف کشورهای غربی، مسایل سیاست خارجی اهمیت انتخاباتی دارد که این نتیجه برخورد پیچیده روس ها با آمریکا و غرب است. ضدیت با آمریکا تنها اندیشه ای است که می تواند همه اقشار جامعه روسی را اعم از سطح درآمد، مذهب و مشخصات دیگر متحد کند و رئیس جمهور ناگزیر باید به این واقعیت توجه داشته باشد. در مقالات پوتین مواضع بسیار ملایمی در برابر آمریکا مشاهده می شود در حالی که مردم روسیه انتظار موضعی شدیدتر را داشتند. پوتین تاکید دارد که روسیه برای پیشرفت کیفی در روابط با ایالات متحده آماده است و اینکه پیشنهاد روسیه درباره پدافند ضد موشکی می تواند دو کشور را به متحد همدیگر تبدیل کند.

باید در نظر داشت که روسیه برای پیشرفت تکنولوژیکی به همکاری با آمریکا احتیاج دارد. از مجموعه مقالات ولادیمیر پوتین می توان نتیجه گرفت که او اهمیت مشارکت واقعی با آمریکا برای نوسازی روسیه را درک می کند. او دنبال راه های عملی می گردد تا این مشارکت برای روسیه مفید باشد ولی حاضر نیست از منافع سیاسی روسیه صرف نظر نماید. در ماه های گذشته پوتین در دیدار با فرماندهان نیروهای مسلح ارتش روسیه اذعان کرد که دانشمندان هسته ای آمریکا با آگاهی و خواست خود به اتحاد جماهیر شوروی کمک کردند تا این کشور به بمب اتمی دست یابد.

در زمانی که ایالات متحده آمریکا به سلاح هسته ای دست پیدا کره بود، اتحاد جماهیر شوروی هنوز در حال ساخت این سلاح بود، ولی روسیه بخش قابل توجهی از اطلاعات در این زمینه را از طریق سرویس های اطلاعات خارجی بدست آورده بود. البته نخست وزیر روسیه در آخر اضافه کرد که دانشمندان شوروی به سرپرستی "ایگور کورچاتوی" توانایی آن را کاملاً داشتند تا بطور مستقل به سلاح اتمی دست پیدا کنند، ولی این کار مسلماً مدت زمان بیشتر طول می کشید و هزینه بیشتری نیز در برداشت. این اظهارات نشان می دهد که پوتین در زمینه ی بازگرداندن ابر قدرتی روس ها و یا حتی مبالغه هایی که نسبت به قدرت شوروی صورت می گرفته به واقع گرای بیشتری حتی نسبت به خودش در سال 2000 رسیده است و می داند که بدون کمک آمریکا و متحدانش روسیه از پس نوسازی تکنولوژیک بر نخواهد آمد بنابراین در عین مقاومت در برابر منافع روسیه در دوره ی سوم ریاستش زبانی نرم تر در برابر آمریکا خواهد داشت.

نتیجه

آنچه از وعده های اقتصادی و سیاسی پوتین بر می آید او به شدت به دنبال نوسازی در بخش تکنولوژی است. نوسازی در فاز اقتصاد در اولویت بعدی پوتین قرار خواهد گرفت. سیاست خارجی او در قبال آمریکا نیز بازتاب همین نیاز روسیه است. در برنامه های قبلی پوتین در دوره های گذشته نیز بر این نوسازی ها تاکید می شد اما مشکلات ناشی از بحران اقتصادی مقابله با هژمونی آمریکا و از این قبیل موارد این روند را کند می کرد. از طرف دیگر روسیه برای حفظ قدرت خود در منطقه چه به لحاظ قدرت اقتصادی و چه به لحاظ قدرت سیاسی لاجرم نیاز به چنین تحولاتی در صنعت و اقتصاد دارد. مرحله سوم نوسازی که پوتین تا کنون در عمل به آن علاقه ای نشان نداده بود، نوسازی سیاسی و تحول در حلقه ی بسته ی نخبان سیاسی و ایجاد بستر های مستحکم تر اجتماعی است و بسط دموکراسی این با نه از بالا و ایجاد عمود قدرت بلکه از بسترهای زیرین اجتماع که به نظر می رسد این موضوع به تازگی مورد توجه پوتین قرار گرفته است اما اینکه چقدر عزم برای اجرایی کردن آن در میان رهبران آینده روسیه وجود داشته باشد هنوز مورد تردید است.

